

روش‌شناسی کلامی شهید ثانی

مهدی انصاری^۱

محمدرضا امامی‌نیا^۲

چکیده

شهید ثانی یکی از فقهای برجسته شیعه است. وی علاوه بر علم فقه، در علم کلام نیز صاحب‌نظر است. اهتمام ویژه شهید ثانی به مباحث روش‌شناسی علم کلام از ویژگی‌های بارز ایشان در عصر خود است. وی در مباحث کلامی از روش تلفیقی عقلی، نقلی و فطری استفاده کرده است. معرفت فطری در نظر شهید ثانی جایگاه ویژه‌ای دارد. وی معتقد به استقلال عقل در معارف اعتقادی بنیادین است، هر چند نقش معرفت‌های نقلی نیز در روش‌شناسی او برجسته است. شهید ثانی از مخالفان حجیت خبر واحد در مسایل اعتقادی بوده و در تعارض دلیل عقلی و دلیل معتبر نقلی به تأویل قایل است.

واژه‌های کلیدی: شهید ثانی، روش کلامی، روش فطری، روش عقلی، روش نقلی.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام (مرکز تخصصی علم کلام).

۲. دانش‌آموخته سطح ۴، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، استادیار دانشگاه معارف اسلامی، گروه مبانی نظری اسلام.

متکلمان در طول تاریخ حیات فکری اسلام دارای رویکردها و روش‌های متفاوتی در استنباط، تبیین، اثبات و دفاع از معارف اعتقادی بوده و در مسایل اعتقادی دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. رویکردها و روش‌های مختلف در استنباط معارف اعتقادی، مهم‌ترین خاستگاه تفاوت نظرات در این سنخ معارف بوده است. بر این اساس، روش‌شناسی یک متکلم، مهم‌ترین عنصر در شناخت منظومه فکری او به شمار می‌رود. روش‌شناسی، دانش شناخت پیش‌فرض‌ها (اعم از پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ...)، قواعد، ابزارها و شیوه استفاده از آنها برای دستیابی به مقصود است. روش‌شناسی یک متکلم در معارف اعتقادی، بهترین راه برای کشف پشتوانه‌های پنهان نظرات و شناخت نحوه اندیشه‌ورزی وی در معارف اعتقادی است که می‌تواند به فهم آثار کلامی یک متکلم کمک شایانی کند، زیرا به این طریق قواعد، ابزارها و چگونگی استفاده از ابزارهای علم توسط وی کشف می‌شود و می‌توان مسیری را که برای رسیدن به هدف خود طی کرده، شناخت. با درک این مهم، در این نوشتار، روش‌شناسی کلامی شهید ثانی با تأکید بر مباحث معرفت‌شناسی مورد توجه واقع شده است.

باید توجه داشت که برای کشف روش‌شناسی یک متکلم دو راه متصور است:

راه اول: بیان روش‌شناسی کلامی معتبر توسط خود متکلم. این راه زمانی ثمربخش است که خود متکلم به مسایل روش‌شناسی توجه کافی داشته باشد و روش استفاده از ابزار معرفت را در علم کلام بیان کرده باشد؛ هر چند خود با انگیزه‌های مختلف در سیره کلامی‌اش به این مساله وفادار نباشد.

راه دوم: کشف روش‌شناسی یک متکلم از آثار کلامی وی. با توجه به اینکه شهید ثانی مباحث روش‌شناسی را بیان کرده است؛ هر دو روش را می‌توان برای اصطیاد روش‌شناسی کلامی وی به کار برد.

۱. شخصیت‌شناسی و آثار شهید ثانی

زین الدین بن نورالدین بن علی بن احمد بن محمد بن علی بن جمال الدین بن تقی بن صالح بن مشرف العاملی الشامی الطلوسی الجبعی معروف به ابن الحجة النحاری و مشهور به شهید ثانی طبق نقل ابن عودی در سیزدهم شوال سال ۹۱۱ هـ.ق در جبع

لبنان متولد شد و روز جمعه ماه رجب سال ۹۶۶ طبق نقل نقد الرجال، یا سال ۹۶۵ طبق نقل فرزندش شیخ حسن (صاحب معالم) به شهادت رسید (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۴۳؛ خویی، ۱۴۱۰، ۷: ۳۷۶-۳۷۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۰: ۱۰۴) شهید ثانی با توجه به رؤیایی که دیده بود شهادت خود را پیش بینی کرده بود (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۵۷). پدر و اجداد شهید ثانی و همچنین فرزندان و نسل وی^۱ از علمای بزرگ بوده‌اند، لذا از خاندان وی با عنوان «سلسله الذهب» یاد شده است (همان، ۱۴۴).

شهید ثانی برای کسب علم، سفرهایی به میس، کرک نوح، دمشق، مصر، حجاز، عراق، بیت المقدس، بلاد روم و قسطنطنیه انجام داده است. وی در این سفرها از محضر استادانی مانند علی بن عبدالعالی میسی، سید حسن بن جعفر کرکی، محمد بن مکی، شمس‌الدین محمد بن مکی دمشقی بهره برده است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۸۶۵-۸۸۳؛ صدر، ۱۴۰۶، ۲۱۲-۲۱۴؛ امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۴۷-۱۵۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۰: ۱۰۴-۱۰۶). او شاگردان بسیاری را تربیت نمود که حسین بن عبدالصمد عاملی، پدر شیخ بهایی از جمله آنهاست (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۵۴).

شهید ثانی اکثر علوم اسلامی از قبیل نحو، صرف، بیان، منطق، لغت، عروض، اصول، فقه، تفسیر، علم الحدیث، رجال، تجوید، اصول عقائد، فلسفه، هیئت، هندسه و حساب و ... را فرا گرفته بود، هر چند شخصیت علمی وی در علم فقه ظهور و بروز داشته و مشهورتر است، از این رو اکثر کتب و رسائل شهید ثانی، فقهی است. دو کتاب معروف وی در علم فقه، یعنی «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» و «مسالك الأفهام فی شرح شرائع الاسلام» از زمان وی تاکنون مدار تدریس در حوزه‌های علمیه، محل رجوع علماء و مجتهدین و محط نظر مولفان و مصنفان بوده است. او در کنار مقام علمی از مقام معنوی بالایی نیز برخوردار بوده است (همان، ۱۴۴-۱۴۵).

شهید ثانی در شرح حال خود، به تحصیلاتش در علوم عقلی اشاره می‌کند. در کرک نوح، قواعد المرام ابن میثم بحرانی را نزد سیدحسن بن سیدجعفر آموخته، در دمشق نزد محقق فیلسوف شمس‌الدین محمد بن مکی قسمتی از حکمة‌الإشراق سهروردی، و در مصر نزد شیخ شهاب‌الدین احمد رملی شافعی و شیخ ناصرالدین اللقانی المالکی علوم عقلی، و نزد شیخ محسن جرجانی شرح تجرید ملاعلی قوشجی با

۱. ابومنصور جمال‌الدین حسن، معروف به صاحب معالم (معالم‌الدین و ملاذ المجتهدین)، فرزند شهید ثانی و سید محمد بن علی عاملی معروف به صاحب مدارک، نوه دختری شهید ثانی هستند.

حاشیه ملاجلال‌الدین دوانی را فراگرفته است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۸۶۴-۸۶۷). او در علوم مختلف دارای آثار و تألیفات فراوانی است. در مجموع ۱۰۰ اثر که شامل کتب، حواشی و رسائل گوناگون می‌شود برای ایشان ذکر شده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ۱۱-۳۷؛ عاملی، ۱۳۸۵، ۱: ۸۶-۸۸؛ امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۵۴-۱۵۶؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۰: ۱۰۷). در اینجا به ذکر آثار کلامی شهید ثانی بسنده می‌کنیم: رساله «الاقتصاد و الإرشاد إلى طريق الاجتهاد في معرفة المبدأ و المعاد و أحكام أفعال العباد» (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۵۵؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ۲: ۲۶۷)، رساله «الأسطنبولية في الواجبات العينية» (امین، ۱۴۰۶، ۷: ص ۱۵۶؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ۲: ۵۹)، تحقیق الإسلام و الإيمان المسمى بحقائق الإيمان یا الإيمان و الإسلام (همان، ۲: ۵۱۳؛ ۳: ۴۸۱؛ ۷: ۳۰). کتاب البداية فی سبیل الهدایه نیز به نظر علامه سید محسن امین با توجه به نام آن، در زمینه عقائد نوشته شده است (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۵۶).

۲. روش تألیفی و تدوینی شهید ثانی در علم کلام:

شهید ثانی کتابی مفصل در علم کلام ندارد، از این رو آراء و روش‌شناسی کلامی شهید ثانی را باید از رسائلی که از وی به یادگار مانده، جستجو و استخراج کرد. رساله معروف کلامی ایشان رساله «حقائق الإيمان» یا «تحقیق الإيمان و الإسلام» یا «حقیقه الإيمان و الإسلام» است که همراه با دو رساله «الاقتصاد و الإرشاد إلى طريق الاجتهاد في معرفة المبدأ و المعاد و أحكام أفعال العباد» و «رسالة في العدالة» تحت عنوان «حقائق الإيمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة» به چاپ رسیده است.^۱

رساله حقائق الإيمان یکی از برجسته‌ترین نگاشته‌هایی است که در فرهنگ شیعی پیرامون موضوع ایمان نوشته شده و مورد توجه علمای دیگر قرار گرفته است. در این رساله، حقیقت ایمان و لوازم آن با بیانی جامع، مورد واکاوی قرار گرفته و استدلال‌های مذاهب مختلف در مورد حقیقت ایمان بیان شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این رساله همچنین حقیقت کفر، زمان تکلیف به معارف الهی، معنای «دلیل کافی» در حصول معرفت محقق ایمان و معارفی که ایمان با تصدیق به آنها حاصل می‌شود، مورد بحث واقع شده است. اما با توجه به تشکیک صورت گرفته در انتساب رساله

۱. دو رساله اخیر در مجموعه رسائل شهید ثانی نیز به چاپ رسیده است.

«حقائق الإیمان» به شهید ثانی^۱، بقیه رسائل کلامی وی، برای کشف روش‌شناسی کلامی ایشان در اولویت قرار دارد.

غیر از رساله «حقائق الإیمان»، سایر رسائل شهید ثانی در دو جلد با عنوان «رسائل الشهید الثانی» به چاپ رسیده است. اغلب مباحث رساله‌های جلد اول، فقهی است، ولی بخشی از رسائل جلد دوم کلامی است، مانند: رساله «الإسطنبولیة فی الواجبات العینیة». شهید ثانی در ابتدای این رساله (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۷-۷۳۳) بر اساس شیوه متکلمان پیش از خود مانند شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی عمل کرده و مباحث کلامی را اشاره‌وار براساس پنج اعتقادی مذهب تشیع، یعنی توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بیان می‌کند. وی در این رساله به مثابه یک متکلم متبحر در بحث‌های کلامی از نظم، شیوه و استدلال‌ات مرسوم در کتب کلامی بزرگ شیعه استفاده کرده و به اثبات عقائد دینی می‌پردازد (همان، ۷۲۵-۷۳۳). نوشته‌های وی، مانند بحثی که در مورد صفات ثبوتیه حق تعالی و تعداد آن می‌کند، حاکی از تسلط وی بر کتب بزرگان علم کلام، مانند تجرید و شرح تجرید است (همو، ۱۴۲۰، اب، ۴۱). وی همچنین از قواعد کلامی، مانند قاعده حسن و قبح عقلی و قاعده لطف در مباحث خود بهره می‌برد (همان، ۱: ۲۴۳؛ ۲: ۷۲۲ و ۷۷۰؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۰۳ و ۱۶۰) ولی به جهت مختصر بودن رساله‌های کلامی، وارد مباحث عامه که در ابتدای کتب کلامی متداول بوده نشده و از همان ابتدا وارد مباحث الهیاتی شده است.

در برخی دیگر از رسائل غیر کلامی شهید ثانی نیز به مباحث کلامی اشاره شده است، مانند: رساله «تفسیر آیه البسمة»، رساله «تقلید میت» و رساله «أجوبة مسایل شکر بن حمدان».

شهید ثانی در ضمن بعضی کتب اخلاقی، فقهی و شروح خود، مانند: «منیة المرید فی أدب المفید و المستفید» و «المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیة» نیز مباحث کلامی را مطرح کرده است.

کتاب «مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد» نیز با رویکرد اخلاقی به یکی از مباحث کلامی، یعنی بحث آلام و اعواض در حوزه افعال الهی به روش نقلی می‌پردازد،

۱. در مورد انتساب این کتاب به ایشان تردیدهایی از جانب بعضی از محققان صورت گرفته است و این کتاب از آثار عالم هم‌نام، هم‌شهری و هم عصر شهید ثانی، یعنی زین الدین بن محسن بن حسین بن محمد عاملی قلمداد شده است (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۹، ۲۹-۴۲).

ولی جنبه‌های کلامی این بحث در حاشیه بوده و مورد توجه شهید ثانی نبوده است. شهید ثانی در بررسی مباحث کلامی، از طرح نقض و ابرام‌های دیگران خودداری نموده و در بیان استدلال نیز به ذکر اصل آن بسنده می‌کند (همو، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۷-۷۳۳)، تنها در رساله حقائق الایمان، متعرض اقوال مختلف در مورد حقیقت ایمان شده و به نقد آنها پرداخته است.

آن چه کشف روش شهید ثانی در علم کلام را آسان می‌کند، اهتمام شیخ شهید به بحث روش شناسی علم کلام است. شاهد بر این مدعا رساله «الاقتصاد و الإرشاد الی طریق الاجتهاد فی معرفة المبدأ و المعاد و أحكام أفعال العباد» است. همان طور که از نام رساله پیداست، یکی از اهداف شیخ شهید در این رساله، ارائه روش صحیح اجتهاد در مسایل علم کلام است که نشان‌دهنده اهمیت روش شناسی علم کلام از منظر شهید ثانی و دغدغه وی نسبت به این امر است. اهتمام شیخ شهید به مباحث روش شناسی در عصر خود یکی از امتیازات ایشان محسوب می‌شود.

۳. جایگاه علم کلام در میان سایر علوم

شهید ثانی علوم شرعی را به اصلی و فرعی تقسیم کرده، و علم کلام، علم کتاب (قرآن کریم)، علم حدیث و علم فقه را علوم شرعی اصلی دانسته است. با توجه به این که شهید ثانی اثر کلامی جامع و مفصلی ندارد، دستیابی به جایگاه علوم مختلف و شیوه وی در استفاده از آنها در مباحث کلامی به وضوح میسر نیست، اما از طرفی با توجه به اینکه وی آداب تعلیم و تعلم و جایگاه علوم را در سیر تعلیم بیان کرده و از سوی دیگر دغدغه بیان روش شناسی اجتهادی در علم کلام را داشته است می‌توان به جایگاه علم کلام و دیگر علوم در نظر وی پی برد.

متکلمان با توجه به موضوع و اهداف علم کلام از علوم مختلف عقلی و نقلی در آثار کلامی خود استفاده کرده‌اند، هرچند در روش و نوع استفاده از علوم دیگر متفاوت عمل کرده‌اند، لذا باید ابتدا جایگاه علم کلام و رابطه آن با دیگر علوم تبیین شود.

از نظر شیخ شهید علم کلام، «ارجح مطالب» و «ارجح مکاسب» و «انجح مآرب» بوده که انسان به واسطه آن از جاهلان ممتاز شده و مستحق بالاترین درجات می‌شود. وی علم کلام را اشرف انواع علم می‌داند، و علمی است که متکلمان برای شناخت خداوند و صفات برتر وی وضع کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۹)، و در تعریف آن گفته است: علم کلام، علمی است که از ذات الهی، صفات و افعالش، نبوت، امامت و معاد

براساس قانون اسلام بحث می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۲۰ الف، ۴۱۶).
 وی در موضعی دیگر علم به شریعت، احکام و تفصیل احوالی که نبی مکرم اسلام آورده، را به تعریف اضافه کرده است (شهید ثانی، ۱۴۲۰ ب، ۴۶؛ همو، ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۱۲-۱۱۱۳).

به اعتقاد او، علم کلام یا علم اصول دین، اساس و پایه علوم شرعی است؛ زیرا به وسیله علم کلام خدا، رسول و جانشینان او و سایر موضوعات مربوط به این امور شناخته می‌شود و آراء صحیح از فاسد و حق از باطل تمییز داده می‌شود. شهید ثانی بعد از بیان آیاتی از قرآن و روایاتی از سنت نبوی که مشوق علم کلام اند، متذکر می‌شود احادیثی که در این موضوع از اهل بیت طاهرین نقل شده بسیار است و کسی که می‌خواهد به شایستگی از آنها برخوردار شود، می‌تواند به کتاب توحید ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق مراجعه کند (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ب، ۳۶۵-۳۶۷).

از نظر وی هر کسی که بر کرسی فتوا تکیه زده، باید از مسایل علم کلام آگاهی داشته باشد (همان، ۲۸۹) به اعتقاد وی، علم کلام باید به تدریج آموخته شود تا ملکه بحث از مزایا و خواص عوالم برای وی هویدا شود (همان، ۳۸۶).

از نظر شهید ثانی اثبات و بحث از مسایل اعتقادی برای عموم مردم در حدی که باعث آرامش و سکون نفس انسان شده و برای او جزم حاصل شود کفایت می‌کند، اما اضافه بر این مقدار، یعنی تحقیق عمیق در دقائق علم کلام و دلائلی که متکلمان در مباحث اعتقادی بیان می‌کنند، به صورت واجب کفایی برای صیانت از اعتقادات دینی و دفع شبهه مبطلین لازم است (همان، ۳۷۹-۳۸۰) لذا وی وظیفه عالمان دین و مردم عادی را در حوزه مسایل اعتقادی یکسان نمی‌داند.

شهید ثانی معتقد است که علم کلام از نظر موضوع و محمول مشخص و متمایز نیست، از این رو در موضوع آن اختلاف نظر وجود دارد. ایشان مدعی است که در عصر ایشان علم کلام از مسایل متفرقه ای همچون ریاضی، طبیعی و الهی و ... حاصل شده است. از این رو از نظر شهید ثانی اجتهاد در فروع، توقفی بر علم کلام مرسوم ندارد (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۸۴-۷۸۵).

ایشان در جای دیگر، روش مرسوم متکلمان را مورد نقد قرار داده و گفته است: «با این که متکلمان علم کلام را برای شناخت خداوند و صفاتش وضع کرده و آن را تنها راه یا نزدیک ترین راه برای این هدف قلمداد کرده‌اند، اما در حقیقت دورترین، سخت ترین و پرخطرترین راه برای رسیدن به شناخت خدا و صفاتش است، از این رو براساس روایات

مأثور، پیامبر و دیگر ائمه اطهار از علم کلام نهی کرده‌اند و مراد از نهی، راه‌های سخت و صعب و جدال‌هایی است که در مسایل کلامی رخ داده است، در حالی که نیازی به آنها نیست و برای معرفت به خداوند و دیگر معارف اعتقادی تنبیهاتی که در قرآن و آثار نبوی و ولوی وجود دارد کفایت می‌کند و بحث بیشتر از آن در معارف اعتقادی از واجبات نیست» (همان، ۷۵۹-۷۶۲).

۴. رابطه کلام با علم منطق

علم منطق که شیوه درست فکر کردن و درست استدلال کردن و کشف استدلال‌های نادرست را آموزش می‌دهد، در علم کلام که بر استدلال‌های عقلی استوار است نقش بی‌بدیلی دارد. شهید ثانی نیز معتقد است که علم منطق، ابزاری شریف برای تحقیق ادله در همه علوم اسلامی است تا کسی که به مطلوب رسیده، از غیر آن مشخص شود (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ب، ۳۷۷). به اعتقاد وی خیلی از علوم اسلامی متفرع بر علم منطق هستند، از این رو طالب علوم دینی باید در امر فراگیری علم منطق اهتمام داشته باشد (همان، ۳۷۷ و ۳۷۸؛ همو، ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۱۳).

از نظر شهید ثانی تحقیق عمیق در مباحث علم کلام و تحقیق مطالب آن و دفع شبهات بیهوده‌گویان متوقف بر علم منطق و سایر علوم عقلی است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ب، ۳۷۷) و یکی از علوم لازم برای شخصی که بر کرسی فتوا می‌نشیند، علم منطق است (همان، ۲۸۹). شهید ثانی خود استاد علم منطق بوده و رسائل و کتب منطقی را تدریس کرده است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۱۴)، چنانکه این کتب را درس نیز گرفته است (امین، ۱۴۰۶، ۷: ۱۴۸). وی در آثارش به توضیح برخی از مباحث منطقی مانند اقسام استدلال پرداخته است. وی اقسام قیاس (استثنایی و اقترانی) و احکام آنها را بیان می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۶۵-۷۶۶؛ همو، ۱۴۱۶، ۲۵۷). از نظر وی، علم حاصل از استقراء نزدیک به حدسیات و متواترات بوده و از اقسام بدیهیات است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۶۶؛ همو، ۱۴۱۶، ۲۵۷). به اعتقاد او اگر علت در تمثیل، منصوص یا ظاهر باشد استدلال، بدیهی و مانند شکل اول بوده و در غیر این صورت، مردود است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۶۷؛ همو، ۱۴۱۶، ۲۵۷). از مصادیق کارکرد منطق در کلام شهید ثانی می‌توان به استفاده وی از قیاس خلف (اثبات مطلوب از طریق ابطال نقیض) برای اثبات وجوب وجود ذاتی خداوند اشاره کرد (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۵). وی همچنین با استفاده از قیاس اقترانی بر وجوب امامت استدلال کرده و شرایط منتج

بودن قیاس را نیز به صورت دقیق بررسی می‌کند (همان، ۱۵۴).

علی‌رغم تأکید شیخ شهید بر فراگیری منطق، وی معتقد است نباید در فراگیری علم منطق زیاده روی کرد؛ چرا که ضرورتی نداشته و موجب تضییع وقت است، بلکه باید به مقداری که مقصود طالب علوم دینی را حاصل کند، بسنده کرد (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ۳۸۶).

چنان که از آثار کلامی شهید ثانی پیداست، وی علی‌رغم تأکید بر لزوم یادگیری علم منطق، ولی به خلاف متکلمان فلسفه‌گرا مباحث کلامی را بر امور عامه و مباحث منطقی متوقف ننموده است.

با این وجود در رساله «الاقتصاد و الإرشاد إلى طریق الاجتهاد فی معرفة المبدأ و المعاد و أحكام أفعال العباد» فصلی را به بیان حال علم منطق اختصاص داده و نظری کاملاً متفاوت نسبت به علم منطق ابراز کرده و فراگیری آن را غیر لازم می‌داند؛ چرا که نسبت علم منطق به فکر، مانند نسبت علم عروض به شعر است و همان طور که انسان قوه شعری دارد که با اتکای به آن انشاء شعر می‌کند و با این که علم عروض را نیاموخته بین شعر صحیح و فاسد تمیز قائل می‌شود؛ همچنین انسان دارای قوه فکریه‌ای است که با اتکای به آن تفکر و استدلال می‌کند و بدون آموختن علم منطق، بین فکر صحیح و فاسد تمیز می‌دهد. وی در این فصل برای کلام خود شواهدی بیان می‌کند و در نهایت دلیل و انگیزه فراگیری علم منطق را فقط تقلید از آثار گذشتگان می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۶۲-۷۶۷).

۵. علم کلام و فلسفه

شهید ثانی در بعضی از نوشته‌های خود به شدت بر فلسفه و بعضی از علوم عقلی دیگر حمله می‌کند، لکن در مواردی کسب آنها را لازم دانسته و علوم شرعی دیگر را متفرع بر آنها می‌داند، لذا باید با دقت در کلام شیخ شهید به مقصود اصلی و نظر وی دست یافت.

شیخ شهید می‌فرماید: «بقی علوم آخر بعضها محرم مطلقا کالسحر و الشعبة و بعض الفللسفة و کل ما یترتب علیه إثارة الشکوک» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ۳۸۱). هر چند شهید ثانی در این بیان خود از حرمت بعضی از فلسفه سخن گفته است، اما با توجه به قیدی که در ادامه کلامش بیان می‌کند، به نظر می‌رسد فلسفه‌ای که باعث برانگیختن شک در انسان شود از منظر وی حرام است. از طرفی، وی فراگیری علم کلام

و معرفت قرآن کریم را متفرع بر منطوق و سایر علوم عقلی کرده که فلسفه را نیز شامل می‌شود (همان، ۳۷۷؛ همو، ۱۴۲۱، ۲: ۱۱۱۳)، لذا به نظر می‌رسد نظر وی در مورد فلسفه تأیید یا رد کامل نیست، بلکه در صورتی که معین علم کلام باشد مورد تأیید بوده، اما زمانی که باعث برانگیختن شبهه و شک شود حرام است.

شاهد بر این مدعا آن است که وقتی شیخ شهید اصناف انسان‌ها در مواجهه با شبهه احتمال ممکن الوجود بودن و واجب الوجود نبودن موجد ممکنات را برمی‌شمارد، به شش گروه اشاره می‌کند و گروه چهارم را کسانی می‌داند که دارای ذهنی تیز و توانایی بالای فکری هستند و ممکن بودن موجد ممکنات را منتهی به دور و تسلسل دانسته و آن را رد می‌کند و گروه ششم را کسانی می‌داند که در حیرت ضلالت و دور و در وادی تسلسل سرگردانند و حق بر آنها شبهه شده است. وی منشأ آن را انس با «ترهات^۱ ملاحظه» و الفت با «مزخرفات فلاسفه» می‌داند. از تامل در این مطالب می‌توان به نوعی تفکیک بین اهل علوم عقلی و فلاسفه از منظر وی پی برد و از این رو بعضی از فلسفه را حرام دانست (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۵-۷۵۶).

شهید ثانی در موضعی دیگر تحصیل منطوق و فلسفه و دیگر علوم حکمی را «محنة اعظم» و «مصیبة اکبر» دانسته و آن را ذاتا یا از باب تنافی با علوم واجب حرام می‌داند (همان، ۱: ۵۵) و در مواردی نیازی به تحصیل علوم منطوق، اصول فقه و کلام نمی‌بیند. این کلام شهید را نیز نباید مخالفت کلی با فلسفه و منطوق و کلام به حساب آورد، چرا که از یک سو در موارد دیگر چنان که بیان شد توصیه به فراگیری این علوم می‌کند و کلام را از علوم اصلی به شمار می‌آورد. از این رو می‌توان علت این کلمات شیخ شهید در مورد علوم مانند فلسفه، منطوق و کلام را اهتمام شیخ شهید به علم فقه و ضرورتی که به تعلم فقه در زمان خود احساس کرده، دانست و بر این اساس، تحصیل بعضی از علوم مانند فلسفه را ضروری نمی‌دانسته است، چنان که فرموده است: «إذا كان في الاشتغال بالفقه هذا الخطر العظيم و أبوأية مسدودة في هذا الزمان، و رجالة قليلة في هذا الأوان، و طلابه قليلة الأنصار و الأعوان» (همان، ۵۶).

شهید ثانی از جمله متکلمان شیعی است که از روش عقلی غیر فلسفی استفاده می‌کند، لذا مباحث فلسفی چندان در آثار کلامی وی به چشم نمی‌خورد؛ هر چند گاهی به مناسبت از معارف فلسفی و رایج در کتب حکماء بهره می‌برد، مثلا مراتب چهارگانه‌ای

۱. تَرْهَات: جمع تَرْهَة به معنای باطل (حمیری، ۱۴۲۰، ۲: ۷۳۶).

که حکماء برای نفس ناطقه انسان بیان کرده‌اند را متذکر می‌شود و از مرتبه عقل هیولانی و عقل بالملکه نام می‌برد (همان، ۲: ۷۵۳، همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۳۹) یا در مورد خداوند و مخلوقات از اصطلاحات حکما استفاده می‌کند (شهادت ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۱، ۷۲۷-۷۲۸، ۷۵۵ و ۷۵۷) و شیوه متکلم بزرگ شیعه، خواجه نصیرالدین طوسی در ارجاع صفات خداوند به وجوب وجود را می‌پسندد (شهادت ثانی، ۱۴۲۰، ۴۲، همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۶). شهادت ثانی در مواردی از بعضی از مفاهیم فلسفی مانند «حدوث و قدم» (شهادت ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۴-۱۴۵؛ همو، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۷) و «عرض» و از بعضی از قواعد فلسفی، مانند «ضرورت توقف معلول بر علت» (شهادت ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۷؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۵) اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» (شهادت ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۸) و «بطلان دور و تسلسل» (همان، ۷۵۶؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۶۵ و ۱۶۱) استفاده می‌کند، ولی عدم استفاده شیخ شهادت در آثار کلامی‌اش از مباحث دقیق و عمیق و استدلال‌ات و قواعد فلسفی و پیگیری آنها مشهود است، همچنان که مسایل عامه فلسفی را به صورت مستقل و پیش مباحث کلامی الهیاتی مطرح نکرده است.

۶. ترتیب فراگیری علوم از نظر شهادت ثانی

به اعتقاد شهادت ثانی، برای اینکه متعلم بتواند در مدت کوتاهی اطلاعات علمی بسیاری را به دست آورد و به هدف خود از تعلیم برسد، باید ترتیب خاصی را در فراگیری علوم رعایت کند. وی تصریح می‌کند که هدف از تعلم، صرف علم پیدا کردن به علوم شرعی نیست، بلکه غرض اصلی برآورده کردن مراد الهی است که این مهم به واسطه ابزار بودن علوم شرعی یا نفس علوم شرعی یا عمل به علوم شرعی یا اقامه نظام وجود یا ارشاد بندگان خدا به چیزی که خداوند اراده کرده حاصل می‌شود.

در ترتیب مناسب برای فراگیری علوم از نظر شهادت ثانی، اولین کاری که متعلم باید انجام دهد حفظ قرآن کریم و تجوید آن است، سپس متعلم به صرف و نحو و دیگر علوم عربی اهتمام ورزد و در گام بعدی نسبت به فراگیری علوم منطقی، کلام و اصول فقه اقدام کند. یادگیری علم اصول فقه برای کسی که درصدد تفقه در دین است بعد از علم نحو در تحریر و تحقیق آحق بوده و در اولویت قرار دارد. درایه، قرائت حدیث و تفسیر آیات الاحکام و فقه در مرحله بعد قرار می‌گیرد و بعد از این علوم، نوبت به تفسیر کلی کلام الله مجید می‌رسد؛ زیرا همه علوم می‌کند بیان شد مقدمه تفسیر کتاب خداست. بعد از آنکه تفسیر را به نهایت کمال رسانید برای ترقی و تکمیل نفس خود، کتب حکمت

طبیعی، ریاضی و عملی که مشتمل بر تهذیب اخلاق نفسانی است را بخواند و بعد از آن به علوم حقیقی و فنون حق الهی (عرفان) وارد شود؛ زیرا علوم حقیقی ثمره دانش‌ها هستند و می‌توان به کمک آنها به درجه مقربان الهی رسید (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ب، ۳۸۵-۳۸۹).

۷. ابزارها و روش‌های معرفت در روش کلامی شهید ثانی

از منظر شهید ثانی، توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، اصول معارف اعتقادی است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۱) و همان گونه که بیان شد از نظر وی، اعتقاد به معارف اعتقادی باید مستند به دلیل باشد و تقلید در معارف اعتقادی اساسی جایز نیست. مراد از دلیل، هر چیزی است که باعث اطمینان نفس انسان در اثبات معارف اعتقادی شود و از بروز شبهات در عقیده مکلف جلوگیری کند؛ یعنی دلیل منحصر در استدلال عقلی یا کلامی نیست که لزوماً باید شرایط منتج بودن برهان در آن رعایت شود؛ هر چند معرفت تفصیلی به معارف اعتقادی و توانایی برای دفع شبهات و دفاع از مذهب، واجب کفایی است. مهم آن است که در اثبات و اعتقاد به معارف اعتقادی به تقلید محض بسنده نشود؛ چرا که تقلید محض، اعتقاد به کلام دیگری بدون حجت است (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ۳۸ و ۴۵؛ همو، ۱۴۲۱، ۱: ۲۶-۲۷، ۵۶۳، ۵۵۸-۵۵۹ و ۵۸۹؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۵۹). به اعتقاد وی، تقلید اگر محض نباشد فاقد اشکال است؛ زیرا تمسک به کلام دیگران اگر دارای حجت عقلی یا شرعی باشد بدون مانع است و از مصادیق «اعتقاد بدون حجت به کلام دیگری» نیست (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۱: ۵۷۳). به نظر وی مهم آن است که ایمان شرعی، یعنی جزم، اذعان و اعتقاد قلبی به معارف اعتقادی حاصل شود و این مهم از طرق و اسباب مختلف مانند الهام، کشف و تعلم و استدلال، قابل اصطیاد است (همان، ۲: ۷۵۷؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۰۳-۱۰۴).

۸. منزلت و گستره عقل از منظر شهید ثانی

از نظر شهید ثانی اصل تحقق معرفت به خداوند متعال و توابع آن متوقف بر هیچ علمی نیست، بلکه مجرد نظر در آن کفایت می‌کند و مجرد نظر، امری عقلی و بر هر مکلفی واجب بوده و اولین واجب بالذات است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۷؛ همو، ۱۴۲۰ ب، ۴۰؛ همو، ۱۴۰۹ ب، ۳۷۷). وی بر این باور است که عقل انسان در معرفت و اثبات مبدأ و توحید آن مستقل است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۵؛ همو، ۱۴۰۹ الف،

۱۶۰). شهید ثانی با اشاره به دو ساحت عقل، یعنی عقل نظری و عملی، معتقد است عقل تنها ابزاری است که به واسطه آن می‌توان به خداوند متعال معرفت پیدا کرد، رسولان او را تصدیق کرده و ملتزم به شرایع الهی شد. عقل انسان را به طلب فضائل تشویق کرده و از اتصاف به ردائل می‌ترساند، از این رو عقل انسان مدبر امور دنیا و آخرت و موجب کسب ریاست دو جهان است. مَثَل عقل، مانند نور در میان ظلمت است؛ هرچند در میان نابخردان مانند چشم نابینا یا چشم شب کور است، ولی در بین خردمندان درخشندگی عقل مانند درخشش خورشید به هنگام ظهر است. لذا شایسته است کسی که از این موهبت الهی برخوردار است با آن مخالفت ننماید و از هوای نفس خویش پیروی نکند، بلکه در همه حالات چه به هنگام منفعت و چه در موقع ضرر، عقل را حاکم قرار دهد و به ارشاد و راهنمایی آن مراجعه کند (شهید ثانی، بی‌تا، ۳-۴، همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۳۹). با توجه به سخنان شهید ثانی در مورد جایگاه عقل و نقل باید او را از پیروان مکتب عقل‌گرای کلامی دانست که اعتقاد به استقلال عقل در تحصیل معارف اعتقادی بنیادی دارد و به این اصل تصریح هم کرده است، لکن اعتقادی به استفاده از استدلال‌های پیچیده عقلی و فلسفی در مباحث اعتقادی ندارد؛ چرا که تنبیهاتی که در قرآن و آثار نبوی و ولوی وجود دارد در این معارف کفایت می‌کند و بیشتر از آن برای عموم لزومی ندارد؛ هرچند به صورت واجب کفایی و دفاع از دین لازم است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۶۰).

۹. نمونه‌هایی از بهره‌گیری از استدلال عقلی:

۱. اثبات وجود خدا: عالم و ماسوی الله حادث و ممکن است. اگر واجب الوجود موجود نباشد، عالم وجود نخواهد داشت؛ چون وجود ممکن، متعلق به غیرش است و خارج از ممکنات، غیر از وجود واجب نیست، در نتیجه واجب الوجود موجود است (همان، ۷۲۷). به بیانی دیگر، هر کسی در نفس خودش تامل کند، بالبداهه خود را ممکن، حادث و محتاج به علت می‌یابد و جزم پیدا می‌کند که نیاز به موجودی موجود دارد؛ زیرا بدیهی است که تا چیزی موجود نشده باشد، ایجاد کننده‌ای ندارد (همان، ۷۵۴).

۲. نفی صفات سلبی از خداوند، با توجه به تلازم میان صفات سلبی و وجود امکانی (همان، ۷۵۸).

۳. استدلال بر قدرت و اختیار خداوند با توجه به خلق عالم مشتمل بر حوادث

(همان، ۷۲۸).

۴. استدلال بر علم خداوند با استناد به احکام و اتقان صنع (همان).

۵. استدلال بر عمومیت قدرت و علم الهی با توجه به تساوی نسبت جمیع ممکنات به خداوند و محال بودن ترجیح بلامرجح (همان).

۶. استدلال بر عدل الهی با توجه به عدم وجود نقص در خداوند متعال (همان).

۷. استناد نبوت، امامت و معاد به قاعده لطف (همان، ۷۲۲ و ۷۳۲؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۵۳).

۸. استدلال به نبوت نبی مکرم اسلام ﷺ با استناد به برهان معجزه (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۹).

۹. اثبات عصمت نبی مکرم اسلام با استدلال به عدم حصول اطمینان و وثوق به پیامبر در صورت معصوم نبودن پیامبر (همان، ۷۲۹-۷۳۰).

۱۰. استدلال به وجوب نصب امام با توجه به حکمت الهی (همان، ۷۳۰).

۱۱. تمسک به برهان حفظ شریعت برای اثبات وجوب امامت امام معصوم (همان، ۷۷۹).

۱۰. منزلت معرفت نقلی از منظر شهید ثانی

علوم نقلی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. علوم نقلی بشری، مانند علوم ادبی، تاریخ، رجال، درایه و ... استناد به کتب تاریخی کمتر در نوشته‌های شهید ثانی به چشم می‌خورد، ولی در بعضی از موارد، مانند اثبات معجزات پیامبر و کرامات ائمه اطهار به این دست معرفت‌ها نیز تمسک کرده است (همان، ۷۲۹؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۵۶-۱۵۷). شهید ثانی چون مباحث کلامی را به صورت موجز مطرح کرده است از علوم ادبی نیز در کلامش به ندرت استفاده کرده است و فقط در مورد معنای لغوی اسلام، ایمان و مترادف آن یعنی تصدیق، بحث مفصلی انجام داده و در مورد حقیقت و مجاز بودن یا مشترک لفظی یا معنوی بودن برخی از معانی ایمان و تصدیق بحث کرده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۵۰ و ۱۲۹).

شهید ثانی خود صاحب تالیفاتی در علم رجال و درایه است، لذا در بررسی سندی روایات با دقت و تخصص لازم عمل می‌کند، که البته در آثار کلامی او کمتر به چشم می‌خورد (همان، ۸۸ و ۱۰۱).

۲. علوم نقلی وحیانی، یعنی قرآن و روایات: از نظر شهید ثانی هر آیه از آیات قرآن،

حجت بر انسان‌ها است؛ همان‌طور که هر حدیثی که از معصومان رسیده، می‌تواند دلیلی بر اثبات معارف اعتقادی باشد و می‌فرماید: «کلّ حدیثٍ دلیلٌ» (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۸)، چرا که بعد از اثبات عصمت نبی اکرم، اخبار منقول از ایشان حق است (همان، ۷۳۲). با توجه به اینکه در بعضی از معارف اعتقادی، مانند معاد جسمانی، عقل بدون نقل راه به جایی نمی‌برد، در این سنخ مسایل، حکم به عدم استقلال عقل می‌کند (همان، ۷۵۴؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۵۹).

معارف اعتقادی نقلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: معارف اعتقادی حاصل از آیات قرآن

پس از اثبات اعجاز قرآن تردیدی در صحت صدور آیات قرآن از مبدأ غیبی باقی نمی‌ماند و در صورت اثبات دلالت آنها، استدلال به آیات قرآن بر مقصود بی‌اشکال است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۲۹).

دسته دوم: معارف اعتقادی حاصل از خبر متواتر

در روایات متواتر، مشکل تردید در صدور آنها از معصوم علیه السلام، با دقت در شرایط تواتر و احراز آنها رفع می‌شود و یقین به مبدأ معصومانه آن به دست می‌آید. لذا اگر به صورت قطعی اثبات شود که حدیثی از جانب معصومان نقل شده قابل تمسک خواهد بود. از نظر شهید ثانی به آن چه از طریق روایات متواتر در احوال مبدأ و معاد رسیده باید تمسک کرد، مانند تکالیف شرعی و سؤال و عذاب قبر، معاد جسمانی، حساب، صراط، میزان و بهشت و جهنم؛ هر چند شناخت تفصیل و جزئیات عالم برزخ و معاد لزومی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ۴۵؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۸-۱۴۹).

هر چند شهید ثانی اخباری که به لحاظ صدور متواتر باشند را در معارف اعتقادی قابل تمسک می‌داند، اما از جهت دلالت تأکیدی بر نص بودن آنها در عبارات وی به چشم نمی‌خورد، از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر خبر متواتری به لحاظ دلالت ظاهر بوده و مخالف حکم عقل نباشد نیز قابل تمسک است.

دسته دوم: معارف اعتقادی حاصل از اخبار آحاد

در مورد حجیت اخبار آحاد که همراه با قرائن قطعی نیست بین متکلمان اختلاف نظر وجود دارد و شهید ثانی، مانند سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۰، ۴: ۵۵) و علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۸۸، ۸۷) از جمله مخالفان حجیت این دسته از اخبار در حوزه معارف اعتقادی است. به اعتقاد وی، تصدیق و پذیرش آنچه در معارف اعتقادی

از پیامبر اسلام به صورت خبر واحد رسیده، مطلقاً واجب نیست؛ حتی اگر سند آن صحیح و بدون اشکال باشد؛ چرا که از طرفی خبر واحد ظن آور است و علماء در جایز بودن عمل به آن در احکام شرعی ظنی اختلاف دارند تا چه رسد به احکام اعتقادی علمی، و از طرف دیگر مستلزم تکلیف بما لا یطاق است (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ۴۵).

با دقت در عبارات شهید ثانی روشن می شود که روایات آحاد نیز در صورتی که همراه با قرائنی یقین آور باشند— مانند انطباق مضمون آنها بر قرآن و روایات متواتر— یقین به صدور آنها از پیامبر یا امام معصوم حاصل می گردد و از این جهت ملحق به خبر متواتر خواهد بود، اما محصول اخبار آحادی که همراه با قرائن قطعی نیستند، حدوث ظن برای انسان بوده و به طور یقینی نمی توان آنها را به معصوم نسبت داد.

۱.۱. استفاده از معرفت نقلی برای اثبات اعتقادات

شیخ شهید گاه برای اثبات اعتقادات از آیات قرآن و روایات اهل بیت استفاده می کند، مانند:

۱. تمسک به کریمه شریفه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ (أنبياء: ۲۲) برای اثبات توحید ذاتی (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۷) البته، این آیه خود بیانگر استدلال عقلی است.

۲. تمسک به کریمه شریفه ﴿وَلَا يَشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (كهف: ۱۱۰) برای اثبات توحید صفاتی و عبادی (همان).

۳. تمسک به ابتدای خطبه اول نهج البلاغه برای اثبات توحید ذاتی و صفاتی (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۸؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۴۷).

۴. تمسک به کریمه شریفه ﴿وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (احزاب: ۴۰) برای اثبات خاتمیت نبی مکرم اسلام (همان، ۷۲۹).

۵. استدلال به آیات قرآن و احادیث نبی مکرم اسلام برای اثبات امامت امیرالمؤمنین و یازده فرزند ایشان، مانند آیه ولایت (مائده: ۵۵) و حدیث غدیر (همان، ۷۳۰-۷۳۲).

۶. تمسک به آیات قرآن (یونس: ۳۰؛ نور: ۲۴) و روایات نبی مکرم اسلام برای اثبات اعتقاد به معاد، حشر اجساد، بعث ارواح، ثواب شخص مطیع و عقاب شخص عاصی، عذاب قبر، سوال نکیر و منکر، حشر، صراط، میزان و ... (همان، ۷۳۲-۷۳۳؛ همو، ۱۴۲۰، ۴۴-۴۵؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۱۶۱).

۷. تاکید بر استفاده نبوت، امامت و معاد جسمانی از قرآن کریم، سنت نبوی و روایات ائمه اطهار (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۸).
۸. استناد به آیه ۳ و ۴ سوره نجم برای اثبات عصمت پیامبر اکرم (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۱: ۹).
۹. استدلال به آیه تطهیر برای اثبات عصمت نبی مکرم اسلام و عترت پاکش (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ۹).
۱۰. استناد به احادیث برای اثبات محدث بودن ائمه اطهار (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۱۵۰).
۱۱. اثبات ضرورت وجود امام در هر زمانی با استناد به حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۱۵۱).
۱۲. استدلال به آیه فطرت و روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة» برای اثبات فطری بودن قوه استدلال و تفکر (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۱).
۱۳. استدلال به آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴) برای بیان معنای لغوی ایمان و تصدیق (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۶۶-۶۷).
۱۴. اثبات عدم کفایت ظن در تحقق ایمان با تمسک به آیات قرآن مانند: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس: ۳۶)، «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (أنعام: ۱۱۶)، «إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه: ۲۴) و «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲) (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۵۶).

۱۲. استفاده از معرفت نقلی در تایید استدلال‌های عقلی

عقل و نقل در اعتقاداتی که نقل توان درک آنها را دارد و اثبات وحی و نبوت هم متوقف بر آنها نیست، معاضد و مؤید یکدیگرند (حلی، ۱۴۱۳، ۲۴۳). شیخ شهید با التفات به این مساله گاهی از معرفت‌های نقلی به عنوان تأیید و پشتوانه برای استدلال عقلی بهره می‌جوید و چه بسا بتوان گفت که استدلال عقلی را برای تحلیل و تبیین معرفتی نقلی به کار می‌برد، مانند:

۱. تمسک به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام «ان من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛ برای تایید استدلال به براهین نفسی بر وجود خداوند.
۲. تمسک به روایت امام صادق علیه السلام برای تایید استدلال به برهان نفسی بر وجود خداوند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۵).

۱۳. استناد به اجماع از منظر شهید ثانی

شهید ثانی در مواردی به اجماع استدلال کرده است. حجیت اجماع نزد شهید ثانی، دائر مدار کشف از نظر معصوم و از باب دخول معصوم در داخل مجمعین می باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ۲۵۲؛ همو، ۱۴۲۱، ۲: ۸۳۷).

بعضی از مواردی که وی به اجماع تمسک کرده است؛ عبارتند از:

۱. تمسک به اجماع برای اثبات این که ایمان، حق است؛ از این رو علم در ایمان، شرط بوده و ظن کفایت نمی کند (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۵۷).
۲. استناد به اجماع برای وجوب معرفت خداوند از راه نظر و عدم کفایت تقلید (همان، ۵۹).

۳. استناد به اجماع در عدم کفر حاکم با وجود خطای در حکم؛ در رد استدلال کسانی که ایمان را فعل واجبات و ترک محرمات می دانند (همان، ۸۶).

۴. استناد به اجماع امامیه در اعتقاد به عذاب قبر، حساب، صراط، میزان، تطایر کتب، دوام عقاب کافر در آتش و دوام بهره مند شدن مومن از نعمت‌های بهشتی در بهشت (همان، ۱۶۳-۱۶۴).

وی در موارد دیگری نیز به اجماع تمسک کرده است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۴ و ۷۶۷؛ همو، ۱۴۰۹ الف، ۵۷ و ۶۶).

البته در همه یا غالب موارد یاد شده، اجماع مستند به دلیل عقلی یا نقلی است که اصطلاحاً «جماع مدرکی» نامیده می‌شود، و خود دلیل مستقل به شمار نمی‌رود.

۱. این روایت در بعضی از منابع به رسول اکرم صلی الله علیه و آله (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹، ۱: ۴۴؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۴: ۱۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۲) و در بعضی از منابع به امیرالمؤمنین علیه السلام (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۵۸۸؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ۳: ۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶: ۲۵۱ و ۵۸؛ ۹۹؛ کبیر مدنی، ۱۴۰۹، ۱: ۲۷۲) نسبت داده شده است.

۱۴. منزلت معرفت فطری از منظر شهید ثانی

معرفت فطری انسان از دیدگاه شهید ثانی جایگاهی ویژه دارد. از منظر وی قوه تفکر و استدلال در انسان فطری بوده و از خصوصیات خلقت خاص انسانی است. وی برای اثبات این مسأله به آیه فطرت و روایت نبی مکرم «کل مولود یولد علی الفطرة» استناد می‌کند. تردیدی نیست که هر مکلف عاقلی دارای قوه تفکر است که معلومات را با آن مرتب کرده و به مجهولات رهنمون می‌شود، هر چند به این مسأله التفات نداشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۲ و ۷۵۸) از نظر وی، انسان فطرتا به دنبال کشف مجهولات گام بر می‌دارد (همان، ۷۵۳) و به حکم فطرت انسانی بر اثبات صانع و صفات حسنایش و معاد جسمانی با دلیل عقلی و نقلی استدلال می‌کند (همان، ۷۵۴) فطرت در کلام شهید ثانی به صورت مطلق به کار رفته و وی درصدد تمایز بین فطرت عقلی یا ادراکی و فطرت گرایشی یا احساسی نبوده است.

به اعتقاد شهید ثانی، معرفت فطری در انسان با توجه به تنبیهات شرعی در کتاب و سنت، به تنهایی برای تحصیل ایمان شرعی کفایت می‌کند و کسب ایمان شرعی متوقف بر فراگیری علم مدونی نیست، هر چند متوقف بر تعلیم معلمی باشد. وی در یک باب کامل با عنوان «فی أنّ هذه المرتبة الفطرية مع الإشارات و التنبیهات الشرعية كافية فی تحصیل الإيمان الشرعی و لا تتوقف علی تعلّم علم مدوّن و إنّ توقفت علی تعلیم معلّم» در این‌باره بحث کرده و سه دلیل نیز بر آن اقامه می‌کند (همان، ۷۵۳ و ۷۵۸). این سخن شهید ناظر به معرفت بسیط و اجمالی است که واجب عینی بر عموم مکلفان است نه معرفت تفصیلی و تحقیقی که برای دفاع از عقاید دینی و پاسخ‌گویی به شبهات، واجب کفایی است. این مطلب در مباحث قبل بیان شد.

۱۵. منزلت شهود از منظر شهید ثانی

شهید ثانی در مورد کشف و شهود به صورت تفصیلی بحث نکرده، اما در ضمن مباحث اشاراتی دارد که می‌توان به جایگاه کشف و شهود نزد وی پی برد. از نظر شهید ثانی برای تحصیل ایمان شرعی به معارف اعتقادی باید در انسان جزم و اعتقاد قلبی به معارف اعتقادی حاصل شود که این مهم از راه‌های مختلفی می‌تواند تحقق پیدا کند که یکی از آنها طریق کشف است (همان، ۷۵۷) وی تأکید می‌کند که هر چند علم حاصل از مکاشفه، الهام، تصفیه باطن یا اموری از این قبیل در تحقق ایمان کفایت می‌کند، اما به واسطه اینکه این نوع ایمان بسیار کم و نادر است و جز برای نفوس قدسیه حاصل

نمی‌شود، لذا در تعریف ایمان لحاظ نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۷۹). همان‌طور که در بیان ترتیب علوم از منظر شهید ثانی بیان شد وی علوم حقیقی و فنون حق الهی را که مبتنی بر شهود است علوم حقیقی و ثمره دانش‌ها می‌داند که می‌توان به کمک آن به درجه مقربان الهی رسید و طریق وصول به این علوم حقیقی کشف و شهود است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ب، ۳۸۹).

۱۶. منزلت معرفت حسی از منظر شهید ثانی

حس، یکی از ابزارهای کسب معرفت انسان است. متکلمان نیز در استدلال‌های خود برای اثبات برخی از مسایل کلامی از معرفت‌های حسی استفاده می‌کنند، مانند کشف احکام و اتقان عالم هستی برای اثبات وجود خدا (حلی، ۱۴۱۳، ۲۸۴). از نظر شهید ثانی معرفت‌های حسی اساس تفکر انسانی و اساس علوم نظریات، حدسیات و علوم دیگر هستند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۵۳).

۱۷. راه حل تعارض بین عقل و نقل

شهید ثانی از معتقدان به تأویل ظواهر نقلی به هنگام تعارض با احکام عقلی معتبر است. یکی از مواردی که وی از تأویل استفاده کرده در معنای صفات خبریه است. از نظر شهید ثانی در اطلاق دو اسم رحمان و رحیم که در لغت حاکی از نوعی رقت قلب و تعطف مقتضی احسان است، چنان که جوهری در صحاح بیان کرده و دیگر صفات خبری که موهوم جسمیت برای خداوند است، مانند ید، عین، مکر و تردید در قبض روح مومن و ... نوعی مجازگویی به کار رفته است، چون وصف ذات الهی به این صفات به اعتبار غایات آنهاست به صورتی که از عبث بودن که شایسته عقلاء نیست خارج شده و متناسب با ساحت ذات مقدس پروردگار شود (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۲: ۷۱۸-۷۱۹). از این رو هر صفتی که به اعتبار حقیقتش برای ذات مقدس الهی قابل حمل نباشد به اعتبار غایت مطلوب از آن که متناسب با ذات الهی است بر خداوند متعال حمل می‌شود، مثلاً ید به اعتبار غایت مطلوب از آن یعنی قدرت و استیلاء، و عین به اعتبار اطلاع و احاطه الهی بر خداوند متعال حمل می‌شود (همان، ۱: ۵۶۷).

وی در مواضع دیگری نیز از تأویل استفاده کرده است، مثلاً استدلال به آیات و روایات را بر این که ایمان به معنای یقین منطقی باشد نمی‌پذیرد؛ چرا که آیات و روایات را قابل تأویل می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۵۸) و در موارد دیگری که متقاضی آیات

قرآن با اصول متقن عقلی مانند اصل حکمت الاهی در تنافی است نیز از ظاهر آیه دست بر می‌دارد و آن را تاویل می‌برد (همان، ۸۴-۸۵).

۱۸. شیوه مواجهه با اقوال و آرای دیگران در مسایل کلامی

همان طور که قبلا اشاره شد شهید ثانی بحث‌های کلامی را به صورت تفصیلی مطرح نکرده و غالبا شیوه ارائه مباحث کلامی از سوی وی به صورت گزارش و مختصر است و امهات معارف اعتقادی شیعه را بیان کرده است. از این رو در مقابل اقوال و آرای دیگران در مسایل کلامی خیلی اظهار نظر نکرده است. فقط در رساله حقائق الایمان به صورت مبسوط در مورد حقیقت ایمان بحث می‌کند و دلایل مذاهب مختلف بر نظر خود، دخیل بودن عمل در ایمان یا عدم آن، تقلیدی یا غیر تقلیدی بودن معارف اساسی، مانند معرفت خداوند و دیگر مباحث، اقوال دیگر مذاهب را بیان می‌کند. وی اقوال فرقه‌های زیر را مورد بررسی قرار داده است:

أشاعره (شهید ثانی، ۱۴۰۹ الف، ۵۳، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۷۴، ۸۰، ۱۳۷، ۱۵۹ و ۱۶۱)، کرامیه (همان، ۷۲ و ۸۰)، حشویه (همان، ۵۹)، تعلیمیه (همان)، معتزله (همان، ۸۲، ۱۱۵ و ۱۵۳)، قدریه (همان، ۷۷)، خوارج (همان، ۵۴، ۶۹ و ۱۳۱)، غلاة (همان، ۵۴) و زیدیه (همان، ۱۵۳).

وی به نقل قول بعضی از شخصیت‌های برجسته مذاهب کلامی و نقد نظر آنها نیز می‌پردازد. از جمله شخصیت‌هایی که وی آرای آنها را نقل کرده می‌توان به اشخاص زیر اشاره کرد:

ابوحنیفه (همان، ۵۴)، ابوالهذیل علاف (همان، ۵۵)، عبدالله ابن حسن عنبری یا بصری (همان، ۵۹)، ابوعلی جبائی (همان، ۵۴)، ابوهاشم جبائی (همان)، ابن مجاهد (همان)، قاضی عبدالجبار (همان)، سید مرتضی (همان، ۱۱۰ و ۱۳۳)، شیخ طوسی (شیخ الطائفه) (همان، ۱۳۶)، غزالی (همان، ۱۰۸) و فخر رازی (همان)، محقق طوسی (همان، ۵۳، ۵۵، ۸۹، ۹۵، ۱۱۵ و ۱۲۱)، سعد الدین تفتازانی (همان، ۱۳۸).

نکته قابل توجه این است که وقتی شهید ثانی در کتاب حقائق الایمان، اقوال و آرای دیگر مذاهب و فرق اسلامی یا آرای کلامی دیگر علمای شیعه را بیان می‌کند، همواره ادب را رعایت کرده و از آداب و ضوابط بحث علمی خارج نمی‌شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

اگر چه شهید ثانی به عنوان فقیه شهرت بیشتری دارد و اغلب تألیفات وی فقهی است، اما در علوم دیگر از جمله علم کلام نیز رساله‌هایی را تدوین کرده که نشان‌دهنده اهتمام ایشان به علم کلام است. از ویژگی‌های شهید ثانی توجه وی به روش‌شناسی علم کلام است که در عصر وی از نکات برجسته سیره علمی ایشان محسوب می‌شود. از نظر وی اصول اعتقادی مذهب شیعه پنج اصل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است که تقلید در آنها جایز نیست. وی روش‌های فطری، عقلی، نقلی و شهودی را در کسب معارف اعتقادی معتبر می‌شمارد و خود از روش فطری، عقلی و نقلی در اثبات معارف اعتقادی بهره می‌برد؛ به این صورت که در مسایل پیشاوحیانی از روش فطری-عقلی و در مسایل پساوحیانی از روش عقلی-نقلی استفاده می‌کند. وی حجیت خبر واحد را در معارف اعتقادی نمی‌پذیرد و در تعارض عقل و نقل، به تأویل قایل است. با توجه به اختصار تألیفات کلامی، وی به صورت محدود از علوم دیگر مانند منطق، فلسفه، ادبیات، تاریخ، اصول فقه، درایه و رجال نیز استفاده کرده است.

۱. ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، محقق و مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۶۹ق، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، دار بیدار للنشر.
۳. امین، سیدمحسن، ۱۴۰۶ق، *أعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *نحرر الحکم و درر الکلم*، محقق و مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی.
۵. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، ۱۴۰۸ق، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ایران، اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیة تهران.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح و مقدمه و تحقیق و تعلیقات: آیت الله حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ق، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، محقق و مصحح: حسین بن عبد الله العمری - مطهر بن علی الاربانی - یوسف محمد عبد الله، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۸. خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۹. سجانی، جعفر، ۱۴۱۸ق، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق، *الشافی فی الإمامة*، تحقیق و تعلیق از سید عبد الزهراء حسینی، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۰۹ق الف، *حقائق ایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة*، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۰۹ق ب، *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید*، محقق و مصحح: رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۱۲ق، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، شارح: سلطان العلماء، حسن بن محمد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۱۶ق، *تمهید القواعد*، قم، دفتر تبلیغات

- اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۲۰ق الف، *الحاشیه الأولى علی الألفية*، محقق و مصحح: گروه پژوهش مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۲۰ق ب، *المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفية*، محقق و مصحح: گروه پژوهش مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، ۱۴۲۱ق، *رسائل الشہید الثانی*، محقق و مصحح: مختاری، رضا و شفیعی، حسین، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، بی تا، *مُسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد*، قم، بصیرتی.
۱۹. صدر، سیدحسن، ۱۴۰۶ق، *تکملة أمل الآمل*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. طباطبایی؛ سید محمد حسین، ۱۳۸۸ش، *قرآن در اسلام*، قم، بوستان کتاب.
۲۱. عاملی، شیخ حر، ۱۳۸۵ق، *أمل الآمل*، نجف اشرف، مکتبة الأندلس-بغداد.
۲۲. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد، ۱۴۰۹، *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین*، محقق و مصحح: محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، *شرح الکافی - الأصول والروضة*، محقق و مصحح: ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبة الإسلامية.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۵. مختاری، رضا، ۱۳۸۹ش، *حقیقة الایمان* شهید ثانی یا *ایضاح البیان* زین الدین بن محسن عاملی، در: دوفصلنامه کتاب شیعه، شماره ۲، ۲۹-۴۲.